

ضربه سنگین اسرائیل به هژمونی آمریکا

داستان تقابل چین، روسیه و ایران با آمریکا و متحدانش آغاز شده است. هر کدام از این بازیگران با تکیه بر دلایل خود رویاروی ایالات متحده قرار گرفته و البته همصدا شده‌اند. بااین حال، منطق حاکم بر منازعات، این سه قدرت را به همکاری استراتژیک بیشتر سوق داده است. تعاملات تهران – مسکو و پکن به احتمال زیاد ابعاد وسیع‌تری خواهد داشت و در نهایت این احتمال وجود دارد که سه بازیگر به شکل یک اردوگاه ژئوپلیتیکی کاملاً همسو علیه دشمنان مشترک خود به طور هماهنگ عمل کنند. با این همه، نتایجی که ایران، روسیه و چین با توسل به استراتژی‌های خود به دنبالش هستند، یکسان نیستند، اما این اولین باری نیست که قدرت‌هایی با ژئواستراتژی‌های بسیار متفاوت با یکدیگر همسو می‌شوند.

همصدایی استراتژیک

انگونه که نشریه هیل نوشته، آلمان در طول جنگ ایتالیایی – اتیوپیایی ۱۹۳۵ – ۱۹۳۶ به اتیوپی اسلحه داد زیرا ایتالیای فاشیست با طرح‌های آلمان برای الحاق اتریش مخالف بود. آلمان همچنین همکاری نزدیک نظامی و اقتصادی با چین را حفظ کرد، هرچند در طول جنگ چین و ژاپن رویکردش را تغییر داد. در نهایت، عاملی که تعیین‌کننده انتخاب‌های استراتژیک برلین، توکیو و رم و در نتیجه شکل‌گیری این محور بود، داشتن همان دشمنان اصلی در دموکراسی‌های غربی بود. در شرایط کنونی، ایران می‌خواهد به هژمون خاورمیانه تبدیل شود. روسیه هم در تلاش است تا رهبری جهانی آمریکا متحده و متحدانش را با دنیایی متشکل از چند قدرت بزرگ که بر همسایگان خود تسلط دارند و با بقیه جهان رقابت یا همکاری می‌کنند، جایگزین کند. این کشور قصد دارد در میان قدرت‌های بزرگ قرار گیرد و به همین دلیل به دنبال بازگرداندن امپراتوری از دست رفته خود به شکلی تازه است. کسانی که در ایالات متحده رویای همسویی با روسیه در برابر چین را در سر می‌پرورانند، این واقعیت را درک نمی‌کنند که رهبری جهانی آمریکا با اهداف مسکو کاملاً ناسازگار است و هیچ هشداری در مورد تهدید چین نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد. چین در حال حاضر تنها قدرتی است که قادر به تلاش برای جایگزینی آمریکا به عنوان رهبر جهانی است. این دقیقا همان مقوله‌ای است که پکن قصد انجام آن را دارد.

منازعات چین و آمریکا به واسطه همین متغیر جریان دارد و تا آینده قابل پیش‌بینی، ادامه خواهد داشت. در هر یک از این سه استراتژی بسیار متفاوت، مانع اصلی، دشمن اصلی که باید بر آن غلبه کرد، آمریکا است، اما علاوه بر مبارزه ژئوپلیتیکی ایران، روسیه و چین با ایالات متحده، اصول دیکته شده غرب برای جهان نیز از منظر آنها چالش است و باید کنار گذاشته شود.

واشنگتن در تله مثلث ایران – روسیه و چین

روسیه و ایران در سال ۲۰۱۵ برای پایان دادن به جنگ داخلی در سوریه که امنیت شان را تهدید می‌کرد، با یکدیگر همصدا شدند و بدین طریق راه خود را برای همکاری استراتژیک جدی پیدا کردند. از آن زمان، آنها بارها با هم در سوریه فعالیت مشترک داشته و دارند. به ادعای هیل، با ادامه جنگ روسیه و اوکراین، همکاری نظامی – دفاعی تهران و مسکو تأثیر مهمی بر ژئوپلیتیک اروپا گذاشته است. در این مسیر، کره شمالی نیز با روسیه همصدا شده، سلاح‌های بیشتری را برای مبارزه با اوکراین در اختیار مسکو قرار داده است. به ادعای هیل، به سختی می‌توان تصور کرد که اگر چین مخالف این فرآیند بود، یونگ پانگ قادر بود در چنین مسیری گام بردارد. علاوه بر این، حمایت چین از روسیه در جنگ علیه اوکراین افزایش یافته است. این نشریه در ادامه این یادداشت مدعی شد، هنوز جای زیادی برای همسویی بیشتر بین چین، روسیه و ایران وجود دارد و تاکنون محور جدید به طور کامل شکل نگرفته است. اما منطق اجتناب‌ناپذیر نیز مبارزه فشار زیادی را به نفع همکاری استراتژیک بین این سه قدرت اعمال می‌کند. هیل مدعی است، تهران، مسکو و پکن دشمنی واحد و اصلی دارند؛ آمریکا، در همین راستا اگر با یکدیگر همصدا شوند، شانس شان برای غلبه بر ایالات متحده بیشتر خواهد بود و اگر اقدامات خود را هماهنگ کنند، ایالات متحده ناچار خواهد شد تا منابع محدود خود را بین جغرافیایی مختلف تقسیم کند. علاوه بر این، موفقیت هر یک از این سه قدرت، آمریکا، اعتبار و اتحاد‌های این بازیگر را تضعیف خواهد کرد. هیل نوشته، امروز جهان مودی، پوپاست. بسیاری از فرآیندها در حال افزایش هستند. همسویی رو به رشد چین، روسیه و ایران یکی از پیامدترین چنین تحولی است.

دوشنبه ۰۲ • ۰۲ • ۱۷ ۱۴۰۳
۲۷ شوال ۱۴۴۵/۰۶/۲۰۲۴ ۰۵ هفتم شماره ۱۸۲۲

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

غربی‌ها توان جدید ایران را لحاظ کرده‌اند

از موقعیت کنونی باید با دیپلماسی

قوی حمایت کرد

تحلیل‌هایی از حد نهایت چپ تا

منتهی‌الیه راست



ساداتیان، سفیر سابق ایران در لندن به گفت‌وگو پرداخته است. وی معتقد است: «فرانسه، انگلستان، آمریکا و اردن و برخی دیگر کشورهای عربی در شب عملیات ایران به کمک اسرائیل آمدند تا شرایط را مهار کنند. این مورد نشان می‌دهد که واقعیتهایی وجود دارد و آن واقعیت قدرت نظامی، موشکی و پهپادی ایران است. البته این مورد را هم باید در نظر گرفتن ایران تا ابد نمی‌تواند در بعد داخلی تنها با تکیه به این قدرت پیش رود. در نتیجه مستولین باید به این مورد توجه کنند که مساله دیپلماسی در ایران باید جدی گرفته شود. باید قدر اقدام نظامی را دانست کما اینکه ایران بعد از ۲ هفته بررسی اقدام به حمله به اسرائیل کرد و این مورد نشان می‌دهد که بعد تصمیمات عقلانی برجسته شده است. از این به بعد نیز ایران نیازمند دیپلماسی است و اگر این دیپلماسی به کمک ایران بیاید و تهران بتواند مسائل خود را حل کند و نظام تحریم‌ها را از هم بپاشاند و اعلام کند که ما قدرتی هستیم که در منطقه مستقر هستیم و شما نمی‌توانید ما را نادیده بگیرید اگر این اینگونه رفتار کنیم و از موقعیت کنونی به نحو احسنست استفاده نماییم برنده‌ایم…» این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

وجود دارد و آن واقعیت قدرت نظامی، موشکی و پهپادی ایران است. البته این مورد را هم باید در نظر گرفتن ایران تا ابد نمی‌تواند در بعد داخلی تنها با تکیه به این قدرت پیش رود. در نتیجه مستولین باید به این مورد توجه کنند که مساله دیپلماسی در ایران باید جدی گرفته شود. کما اینکه ایران بعد از ۲ هفته بررسی اقدام به حمله به اسرائیل کرد و این مورد نشان می‌دهد که بعد تصمیمات عقلانی برجسته شده است. از این به بعد نیز ایران نیازمند دیپلماسی است و اگر این دیپلماسی به کمک ایران بیاید و تهران بتواند مسائل خود را حل کند و نظام تحریم‌ها را از هم بپاشاند و اعلام کند که ما قدرتی هستیم که در منطقه مستقر هستیم و شما نمی‌توانید ما را نادیده بگیرید اگر این اینگونه رفتار کنیم و از موقعیت کنونی به نحو احسنست استفاده نماییم برنده‌ایم.

اگر مستولین دولت نتواند از موقعیت کنونی به نفع منافع کشور استفاده کنند چه؟

اگر مستولین بعد از این وقایع اخیر بخواهند یک طرفه جلو بروند و تحولی در دیپلماسی خود ایجاد نکنند اطلاع داشته باشند دنیا تا ابد از ما نخواهد ترسید و آنها حتما به سمتی خواهند رفت که به شکلی معادله بر هم خورده منطقه به وسیله ایران را به نفع خود تغییر دهند ولو اینکه حتی نبردی اتفاق بیفتد و لطمه‌ای ببینند. این مورد را باید به عنوان یک واقعیت و مساله جدی در نظر بگیرند. باید از فرصت‌ها قایل استفاده کرد.

شما به حرکت ایران به سمت یک عقلانیت سخن گفتید، اما برخی جملاتی را می‌گویند که با این عقلانیت سازوکار نیست برای نمونه یکی از اصولگرایان در موقعیت فعلی اعلام کرده که اگر لازم باید سلاح هسته‌ای هم خواهیم ساخت. این سخنان کجای حرکت به سمت عقلانیت است؟

از حد نهایت سمت چپ تا حد نهایت سمت راست در ارتباط با وقایع اخیر تحلیل ارائه می‌دهند و یا تهدید می‌کنند و ادعاهایی دارند، اما آنچه عمل می‌شود مهم است. به نظر شورای عالی امنیت ملی و نقش رئیس ستادکل و نقش عالی‌ترین مقام کشور است که کشور را به سمت عقلانیت حرکت می‌دهد. این مجموعه است که کشور را هدایت می‌کنند. این مجموعه در حال حاضر اقتضایی عمل می‌کنند. واقعیت‌ها از سوی ایران برای منطقه وجود دارد و باید به گونه‌ای تحلیل کرد که این تهدیدات برای ایجاد آرامش منطقه‌ای تحلیل شود. برای نمونه حرکت آمریکا را در نظر بگیریم، در ماجرای اخیر به نوعی میانجی بین طرفین درگیر شد. آمریکا تلاش کرد وسط ماجرا قرار گیرد.

بیشتر در مورد نقش آمریکا در حوادث اخیر توضیح می‌دهید؟

قبل از حمله ایران دائما آمریکایی‌ها اعلام می‌کردند که اگر ایران حمله کند آنها در کنار اسرائیل خواهند بود اما بعد از حمله ایران به تل‌آویو اعلام کرد که اگر بخواهی مقابله به مثل کنی به آمریکا ارتباطی ندارد و مداخله نخواهیم کرد. حتی آمریکا اعلام کرد که بی‌طرف است و این بی‌طرفی در آن معناست که اگر تنش‌ها بالا بگیرد دیگر آنگونه که باید از اسرائیل حمایت نخواهد شد. این مورد یعنی آمریکا به دنبال جمع کردن ماجرا بود. البته این تصمیم به نفع هیات حاکمه کنونی آمریکاست باید، چراکه انتخابات در آمریکا نزدیک است و نمی‌خواهند درگیر مساله اسرائیل شوند. در مقطع کنونی آمریکا به دنبال مهار شرایط بر تنش است. شاید هم در دنبال آن هستند که با مهار شرایط نتانیاهاو راس قدرت در اسرائیل کنار رود و کابینه اسرائیل سقوط کند و بعد ادر مورد مساله غزه تصمیم بگیرند.

armanmeli.ir

سال هفتم

شماره ۱۸۲۲

دوشنبه

۰۲ • ۰۲ • ۱۷ ۱۴۰۳

۲۷ شوال ۱۴۴۵/۰۶/۲۰۲۴ ۰۵ هفتم شماره ۱۸۲۲

سال هفتم

شماره ۱۸۲۲

دوشنبه

۰۲ • ۰۲ • ۱۷ ۱۴۰۳

۲۷ شوال ۱۴۴۵/۰۶/۲۰۲۴ ۰۵ هفتم شماره ۱۸۲۲

تهران با سنبه پر زور خود یعنی موشک و پهپاد تلاش کرد چهره برجسته‌ای از خود در برابر هرگونه تجاوز از بیرون را به نمایش بگذارد، جایگاه ایران بعد از این تصمیم تهران در منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هنگام عملیات ایران علیه اسرائیل غربی‌ها و خصوصا آمریکایی‌ها صراحتا به ایران پاسخ دادند که قصد جنگ را ندارند. حمله ایران به اسرائیل هشدارهای لازم به تل‌آویو را داد. این درحالی بود که تهران به هیچ وجه به سمت مناطق مسکونی و جمعیتی شلیک نکرد اما تبادل پیام‌ها جدی بود است و البته تهران از اقدام خود نیز کوتاه نیامده است.

آیا این عملیات تهران می‌تواند عملا زمینه‌های هرگونه مذاکره برای احیای برجام را از بین ببرد؟ در این معنا که آنها به سمت فشار بیشتر علیه ایران حرکت کنند؟

به نظر می‌رسد رفت و آمدها در ارتباط با برجام همچنان ادامه دارد هرچند آنطور که طرفین اعلام کرده‌اند مذاکرات مستقیمی با یکدیگر ندارند. ظاهرا مذاکرات با آژانس با ایران جدی است و دبیرکل آژانس هم قصد دارد به تهران بریاید. در آخرین مورد حتی احتمال آن داده شد که شورای حکام قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کند اما اتفاقی نیفتاد چون از منظر سیاسی گفت‌وگوهایی برای حل مساله هسته‌ای ایران وجود دارد. به نظر پیغام‌ها هنوز هم در حال تبادل است.

در تهران چه این انگیزه هنوز در بین مقامات ایران وجود دارد که به سمت حل مساله حرکت کنند؟

در تهران تمایل برای مذاکره وجود دارد با اقداماتی که در منطقه در حال شکل‌گیری است نیز تهران در حال ارسال این پیام است که در منطقه تنها نیست و گروه‌های حامی‌ای دارد که از قدرت اثرگذاری نیز برخوردارند. این در آن معناست که اگر قرار باشد با تهران برخورد شود حتی اگر ایران نتواند به پیروزی برسد می‌تواند در برابر اقدامات اشتباه علیه خود مزاحمت‌هایی را ایجاد خواهد کرد. البته به نظر می‌رسد غربی‌ها نیز به دنبال تنش در منطقه تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیستند و البته مشخص نیست که ترامپ رئیس‌جمهور شود و بخواهد این رویه را تغییر دهد و یا حتی بایدن پیروز در انتخابات شاید بخواهد رویه خود یعنی عدم درگیری در منطقه را تغییر دهد. این موارد فعلا احتمالات است.

اما برخی نیز معتقدند احتمال اینکه آمریکا دست به زکی بزند و با ایران هراسی به سمت ایجاد یک سپر بالستیک حرکت بکند نیز وجود دارد؟

بله این احتمال هم وجود دارد. جمهوری خواهان با ایران هراسی همواره به دنبال آن هستند که زمینه فروش اسلحه به اعراب و کشورهای منطقه را فراهم آورند. البته این مورد را هم باید در نظر بگیریم که سال‌هاست که اعراب در حال خرید اسلحه هستند و از این به بعد نیز اسلحه خواهند خرید.

خرید اسلحه از اسرائیل توسط اعراب با این اقدام تعدیل می‌شود؟

امارات و بحرین قراردادهای خوبی با اسرائیل منعقد کردند که تل‌آویو برای آنها گنبد آهنین بسازد. اما واقعه ۷ اکتبر شکسته شدن گنبد آهنین و همچنین برخورد موشک‌های ایران به اسرائیل موجب شده است که این قراردادها عموما هوا شود.

البته برخی نیز در حال بزرگ جلوه دادن خطر حمله اتمی اسرائیل هستند، آیا این مورد با واقعیت‌های منطقه و آسیب‌پذیر بودن اسرائیل تطابق دارد؟

سیاست

۷

نگره

پشت پرده همصدایی اعراب و اسرائیل

تله تل‌آویو برای اعراب؛ یارکشی آمریکا

برای اسرائیل

ایران با پاسخ موشکی و پهپادی به اسرائیل، اولین کشوری بود که بعد از سال‌ها از خط دفاعی این بازیگر عبور کرد. از همین‌رو این پاسخ بی‌سابقه بود. در این میان، این اولین باری بود که شاهد همصدایی ادعایی ایالات متحده، اروپا و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با اسرائیل بودیم.

چرابی همصدایی اعراب و اسرائیل

به نوشته نشریه فرانسوی لویوئن، دیوید خلفا، یکی از مدیران بنیاد ژان ژورس فعال در حوزه شمال آفریقا و خاورمیانه در باب همصدایی ادعایی، مدعی است: «اردن برای حراست از حریم هوایی‌اش، پهپاد‌های ایرانی که به سمت سرزمین‌های اشغالی در حرکت بودند، رهگیری کرد. با این حال، با توجه به همکاری اطلاعاتی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و همچنین بحرین با اسرائیل، بیش از همه شاهد همصدایی اطلاعاتی و فنی هستیم تا مانور نظامی». در همین راستا باید گفت، دلایل متعددی می‌تواند مشارکت این گروه از کشورهای عربی را در دفاع از اسرائیل توضیح دهد. به ادعای دیوید خلفا، «همصدایی اعراب و اسرائیل دلیل روشنی دارد؛ احتمالا کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تحت فشار با اسرائیل همصدا شدند.» از منظر این تحلیلگر، دلیل دوم به ملاحظات استراتژیک مربوط می‌شود؛ این‌گروه از کشورها – عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اسرائیل – از قدرت هژمونیک ایران در منطقه هراس دارند. به ادعای ناظران، ترس مشترک، منافع استراتژیک مشترکی را ایجاد می‌کند. در کنار این مولفه، اعضای توافقنامه ابراهیم توسط چهار کشور عربی از جمله امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۰ با اسرائیل در چنین همصدایی بی‌تاثیر نبوده است. به ادعای خلفا، به احتمال زیاد و به‌رغم تنش‌زدایی میان ایران – عربستان سعودی و ایران – امارات، هنوز این دو کشور خلیج فارس از نفوذ و قدرت ایران در شام و به ویژه افزایش توان محور مقاومت در منطقه هراس دارند. بالاخص در شرایط کنونی که دریای سرخ به دریای آتش تبدیل شده و تجارت بین‌المللی به خطر افتاده است. خلفا در ادامه ادعا کرد: ما شاهد حملات مکرر انصار ا… به کشتی‌ها و به ویژه کشتی‌های تجاری بوده‌ایم که از دریای سرخ به سمت اسرائیل عبور می‌کنند. این حملات پیامدهای اقتصادی بسیار مهمی برای متحدان کشورهای خلیج فارس در منطقه، به ویژه برای مصر به دنبال دارد.» به ادعای دیوید خلفا، «کشورهای خلیج فارس هنوز در یک وضعیت ژئوپلیتیکی بسیار پیچیده‌ای قرار دارند. آنها با ایران هم مرز هستند و از این رواسرایت رویارویی ادعایی تمام عیار اسرائیل و ایران به مرزهای خود هراس دارند. بالاخص که رژیم حاکم بر این کشورهای عربی بسیار شکننده هستند.»



معمای اعتماد اعراب به آمریکا

دیوید خلفا در ادامه گفت‌وگویش با لویوئن ادعا کرد: «منطقه تحولات بزرگی را تجربه کرده است. اسرائیل اکنون توسط همین قدرت‌های عربی به ویژه کشورهای خلیج فارس به طور ضمنی شناسایی شده است.» به ادعای این تحلیلگر، رقابت و رویارویی در سایه ایران و اسرائیل موجب شده تا برخی از کشورهای عربی برای حراست از خود در برابر قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران با اسرائیل همکاری استراتژیک داشته باشند. به ادعای خلفا، آنها به نوعی سیاست خارجی و دفاعی خود را تقسیم بندی می‌کنند. کشورهای عربی از یکی سوباحمایت، حداقل به صورت لفاظی، از فلسطینی‌ها و محکوم کردن حمله اسرائیل به غزه، افکار عمومی را راضی نگاه می‌دارند، اما در خفا به لحاظ اطلاعاتی و نظامی با تل‌آویو همصدا هستند؛ چراکه منافع راهبردی شان چنین همصدایی را تبیین می‌کند. این همصدایی طبیعتا توسط ایالات متحده نیز حمایت می‌شود چرا که اسرائیل متحد واشنگتن است. خلفا در ادامه مدعی است، یک ائتلاف موقت میان اعراب و اسرائیل که بر اساس منافع چرخه‌ای مشترک تعریف شود، محتمل است.

خلفا ادعا کرد، می‌توان تصور کرد در آینده نزدیک، این ائتلاف موقت تقویت و تحکیم خواهد شد و آمریکایی‌ها از نتایج (ادعایی‌اش) بهره‌مند شده و آن را مقدمه‌ای بدانند در راستای تعریف ائتلافی رسمی تر میان عراق و اسرائیل. با این همه به باور خلفا، همصدایی اخیر اسرائیل و اعراب به معنای تعریف آنها در یک ائتلاف نیست، چرا که در ائتلاف، پارامترهایی باید لحاظ شود و متغیرهای سیاسی و دیپلماتیک مطرح است. کشورهای حاشیه خلیج فارس هیچ علاقه‌ای به تشدید تنش ندارند اما کم‌کم باور دارند که ایالات متحده ابرقدرتی است که می‌توانند به آن تکیه کنند. به ادعای خلفا، همین اعتماد به آمریکا، موجب می‌شود که اسرائیل از انزوای دیپلماتیک خارج شود.